جمله
روزنامه صبح ایران
جمله؛ رتبه ۲ نشریات کشوری
@JOMLEH.NEWSPAPER
WWW.JOMLEHONLINE.IR

■ صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی رسانه‌ای کلبه امید
■ مدیرعامل و مدیرمسئول: مهدی روحی
■ سردبیر و قائم مقام مدیرمسئول: ملیحه منوری
■ دستیار ویژه مدیرعامل: احمد شیرازیان

■ معاونت مالی و پشتیبانی: قنبرعلی فلاح
■ معاونت امور نمایندگان: مریم آهون بر
■ سرپرست گروه طراحی: هادی کاظمی
■ مشاور بازرگانی: کانون آگهی و تبلیغاتی تصویر فارس
■ دبیر سرویس سیاسی: محمدباقر محسنی
■ دبیر سرویس فرهنگ و اجتماعی: سایه برین
■ صفحه آرایی: ماریه حدادحقیقی

نشانی: تهران، خیابان سهروردی شمالی، جنب پمپ بنزین کوچه تهمتن پلاک ۱۱
تلفن: ۰۲۱۸۸۵۲۷۵۸۰-۰۲۱۸۸۵۲۷۵۸۲
نشانی الکترونیک: jomleh2018@gmail.com
لیتوگرافی و چاپ: صمیم ۰۲۱۶۵۵۸۶۸۰۱
توزیع: نشر گستر امروز

اوقات شرعی: اذان ظهر ۱۲:۰۲ اذان مغرب ۱۷:۱۵ نیمه شب شرعی ۲۳:۱۷ اذان صبح فردا ۰۵:۴۰ طلوع آفتاب ۰۷:۱۰

■ یکشنبه ■ ۳۰ آذر ۱۴۰۴ ■ ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۴۷قمری ■ ۲۱ دسامبر ۲۰۲۵ ■ سال نهم ■ شماره ۲۲۵۴

جمله خبر تاسیس اندیشکده کشورداری رئیس فقید دولت سیزدهم را تحلیل می‌کند

هزارساعت فیلم برای اثبات شهید رئیسی

سایه برین

بر اساس خبری که «محمدمهدی اسماعیلی مدیرعامل بنیاد بین‌المللی شهید رئیسی در گفتگو با خبرنگار مهر» بیان کرده، قرار است بنیاد تازه‌تأسیس شهید رئیسی در کنار فعالیت‌های اجتماعی، وارد فاز گسترده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای شود. او به‌صراحت گفته است: «مهم‌ترین آن راه‌اندازی اندیشکده حکومت و کشورداری شهید رئیسی است که همه اعضای دولت شهید رئیسی گروه‌هایی را در این اندیشکده متناسب با نیاز کشور تشکیل داده‌اند تا الگوی حکمرانی در آنجا تثبیت شود.» همچنین تأکید کرده که «در مدت کمتر از یک سال که بنیاد بین‌المللی شهید رئیسی راه‌اندازی شده است، حدود ۱۰۰۰ ساعت فیلم از مشی حکمرانی دولت آیت‌الله شهید ضبط کرده‌ایم» و این فیلم‌ها قرار است فرآوری و منتشر شوند تا «این تجربه کم‌نظیر در عرصه حکمرانی» حفظ و ترویج شود.

همین چند جمله، به‌تنهایی پرسش‌های جدی و اساسی را پیش روی افکار عمومی می‌گذارد. صرف هزینه، انرژی، نیروی انسانی و منابع رسانه‌ای برای اینکه گفته شود یک فرد چگونه کشور را اداره می‌کرده، اساساً چه معنایی دارد؟ آیا حکمرانی موفق یا ناموفق، چیزی است که نیاز به هزار ساعت فیلم ضبط‌شده و یک اندیشکده رسمی برای «تثبیت الگو» داشته باشد؟ در تاریخ سیاسی کشورها، عملکرد دولت‌ها معمولاً در میدان عمل، در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاست خارجی و رضایت عمومی سنجیده می‌شود، نه در کلاس‌های آموزشی و خروجی‌های آرشیوی که بعداً قرار است به‌عنوان «تجربه متقن و بدون تحریف» عرضه شوند.

سؤال مهم‌تر این است که در این اندیشکده دقیقاً قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ اگر قرار است اعضای دولت سابق بنشینند و درباره عملکرد خودشان تولید محتوا کنند، این بیشتر به بازتولید یک روایت یک‌طرفه شبیه است تا کار اندیشکده‌ای به معنای دقیق کلمه. اندیشکده، محل تضارب آرا، نقد سیاست‌ها، بررسی نقاط ضعف و قوت و حتی پذیرش خطاست. اما وقتی از ابتدا هدف «تثبیت الگوی حکمرانی» تعریف می‌شود، عملاً نتیجه از پیش معلوم است. در چنین شرایطی، آیا بد دفاع کردن از یک کارنامه، خودش به معنای خراب کردن آن نیست؟ آیا تبدیل تجربه حکمرانی به محصول تبلیغاتی، آن هم در فضایی که جامعه با مسائل معیشتی و بحران‌های انباشته روبه‌روست، به اعتبار همان نامی که قرار است حفظ شود لطمه نمی‌زند؟

این تصور که عده‌ای قرار است «بروند بنشینند سر کلاس‌های این اندیشکده و با ارزش‌های شهید رئیسی آشنا شوند» نیز محل تردید جدی است. جامعه امروز، به‌ویژه نسل جوان، کمتر با آموزش‌های رسمی و دستوری ارتباط می‌گیرد. ارزش‌ها اگر در عمل قابل لمس باشند، نیازی به کلاس و اندیشکده ندارند. اگر هم قابل لمس نباشند، هزار ساعت فیلم و ده‌ها نشست تخصصی نمی‌تواند آن خلأ را پر کند. تجربه نشان داده است که تقدیس بیش از حد، آن هم از مسیرهای اداری و پرهزینه، اغلب نتیجه معکوس می‌دهد و فاصله عاطفی و ذهنی ایجاد می‌کند.

نقش خود محمدمهدی اسماعیلی در این میان قابل چشم‌پوشی نیست. این پرسش جدی مطرح است که آیا او واقعاً قصد ندارد از خودنمایی با نام شهید رئیسی دست بردارد؟ او همان فردی است که حتی در مقطعی کاندیدای ریاست‌جمهوری شد؛ اقدامی که اگر واقعاً تعلق خاطر عمیق و بی‌چشمداشت به شهید رئیسی وجود داشت، دست‌کم از نظر اخلاق سیاسی، قابل تأمل بود. چگونه می‌توان هم خود را وارث و مروج یک نام دانست و هم در بزنگاه سیاسی، به رقابت قدرت وارد شد؟

پیش از این هم شاهد بودیم که یک روزنامه تصمیم گرفت با نام «شهید جمهور» منتشر شود و حالا همان مسیر، به شکل دیگری در قالب اندیشکده و بنیاد ادامه پیدا کرده است. این تکرار استفاده از یک نام خاص در پروژه‌های رسانه‌ای و نهادی مختلف، بیش از آنکه نشانه پاسداشت باشد، این شائبه را تقویت می‌کند که نام شهید، به ابزار مشروعیت‌بخشی برای فعالیت‌های شخصی و جناحی تبدیل شده است.

از منظر تحلیلی، مسئله اصلی این نیست که آیا شهید رئیسی خدماتی داشته یا نه؛ مسئله این است که آیا راه درست مواجهه با یک کارنامه سیاسی، تبدیل آن به «الگوی تثبیت‌شده» از مسیر بنیاد و اندیشکده است؟ نقد منصفانه، حتی نقد درون‌گفتمانی، بخشی از احترام به یک تجربه حکمرانی است. حذف نقد و جایگزینی آن با روایت رسمی و پرهزینه، نه‌تنها کمکی به حفظ میراث نمی‌کند، بلکه آن را آسیب‌پذیر می‌سازد.

اگر هدف واقعاً خدمت اجتماعی است، همان بخشی که اسماعیلی از کمک به ایتام و زنان بی‌سرپرست سخن گفته، می‌تواند بدون حاشیه و هیاهو ادامه پیدا کند. اما وقتی فعالیت فرهنگی و رسانه‌ای با این حجم از تولید محتوا و تأکید بر «الگوی حکمرانی» مطرح می‌شود، افکار عمومی حق دارد بپرسد: این همه تلاش برای گفتن اینکه «چه کردیم»، آیا نشانه‌ای از تردید نسبت به قضاوت جامعه نیست؟ و آیا بد دفاع کردن از یک نام، در عمل، بزرگ‌ترین ضربه به همان نام نخواهد بود؟

در نهایت باید گفت اگر دولتمردان شهید رئیسی واقعا معتقدند چیزی در سه سال دولت سیزدهم وجود دارد که می‌تواند برای آیندگان ثبت شود و چراغ راهنمای همگان است، بهتر است این تجربیات را خالصانه در اختیار رئیس دولت وقت، مسعود پزشکیان قرار دهند که دست خود را برای همیاری به سمت تمام طیف‌ها و احزاب دراز کرده است. اما اگر قرار به خودنمایی است، خود بحثی دیگر است که از دل آن کمک به بهبود کشور حاصل نخواهد شد.

خبر کوتاه

اشرف بروجردی درگذشت

«اشرف بروجردی»، فعال سیاسی شناخته‌شده اصلاح‌طلب و خواهر «علاالدین بروجردی» نماینده لارستان، خنج، گراش، اوز و جویم و نخستین زنی که به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران رسیده بود، دار فانی را وداع گفت.

اشرف بروجردی متولد ۱۳۳۶ و نوه آیت‌الله علی‌محمد بروجردی بود، از چهره‌های شاخص جریان اصلاح‌طلبی و از فعالان حوزه زنان و حقوق مدنی در ایران به‌شمار می‌رفت.

وی در کارنامه حرفه‌ای خود سابقه اولین معاونت زن در وزارت کشور پس از انقلاب اسلامی را داشت و در کنار وزرای وقت، عبدالله نوری و سید عبدالواحد موسوی لاری، به ایفای نقش در حوزه‌های اجتماعی و شوراها پرداخت.

اشرف بروجردی در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ با حکم رئیس‌جمهور وقت (حسن روحانی)، ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی را بر عهده گرفت و پیش از آن نیز به عنوان معاون فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فعالیت می‌کرد.

قاب

بارش برف در اصفهان

بارش سنگین برف در استان اصفهان، که آغاز شده است، چهره کلانشهر اصفهان را دگرگون کرده است. این بارش موجب سفیدپوش شدن معابر، باغ‌ها و بناهای تاریخی این شهر شده و منظره‌ای تماشایی به ویژه در میدان نقش جهان و پل‌های تاریخی زاینده‌رود ایجاد کرده است.

عکس و متن: مرضیه موسوی /ایرنا

یادداشت

نگاهی به تازه‌ترین ساخته ابوالفضل صفاری

گوزن‌های اتوبان و لگدمال کردن ایده‌ای طلایی

محمد عمرانی
عضو انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی

فیلم «گوزن‌های اتوبان» ساخته‌ی ابوالفضل صفاری، با موضوعی کاملاً اجتماعی و به‌روز آغاز می‌شود، اما در نهایت قربانی همان تله‌ای می‌شود که فیلمساز قصد افشای آن را داشته، یعنی اغراق‌آمیز بودن و فاصله گرفتن از واقعیت.

در روزگاری که تماشای فیلم‌های اجتماعی اثرگذار و قوی آرزوی سینما دوستان حرفه‌ای شده، روی پرده رفتن اثری با موضوع فضای مجازی و تأثیرات آن بر زندگی آدم‌ها، بی‌شک ستودنی است. فیلمساز که پیش‌تر با آثاری مثل «از تهران تا بهشت» و «یک کامیون غروب» در عرصه‌ی سینمای مستقل خودی نشان داده بود، این‌بار همراه با «گوزن‌های اتوبان» وارد فضای شهری و پیچیده‌ی امروز شده است.

مستندساز بودن و نگاه واقع‌گرایانه‌ی صفاری در این اثر کاملاً نمایان است، ولی متأسفانه این همان عنصری است که در ادامه کار، قربانی رویکرد شعاری فیلم می‌شود.

شروع فیلم پرانرژی و هوشمندانه است و تماشاگر از همان دقایق اولیه در فضایی رنگارنگ، هیجانی و پرشتاب غوطه‌ور می‌شود؛ فضایی که بی‌شباهت به واقعیت روزمره‌ی زندگی کاربران شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و شبکه ایکس نیست. ضرب‌آهنگ تند، نماهای جذاب و سریع و از همه مهم‌تر نقش‌آفرینی درخشان ستاره‌هایی مثل الناز شاکردوست، نوید پورفرج و صدف اسپهبدی در فیلم، از همان ابتدا نوید دیدن اثری متفاوت را به تماشاگر مشتاق می‌دهد.

ساخته‌ی سینمایی ابوالفضل صفاری در ظاهر به دنبال آن است که پرده از روی یکی از پرحاشیه‌ترین پدیده‌های اجتماعی سال‌های اخیر، یعنی دنیای بلاگرها و اینفلوئنسرهای اینستاگرامی بردارد؛ موضوعی جذاب و پرکشش که به‌راحتی می‌توانست دستمایه‌ی ساخت یک اثر سینمایی شاخص را فراهم نماید. انتخاب چنین سوژه‌ای در شرایطی که مضمون قریب به اتفاق فیلم‌های اجتماعی سینمای این چند دهه، تکرار مضامین نخ‌نما شده‌ی عشق و عاشقی، کلاهبرداری، ورشکستگی و... است، به‌خوبی جسارت و هوشمندی صفاری را نشان می‌دهد. اما افسوس که جسارت در انتخاب سوژه به موفقیت در پرداخت نرسیده است، و این همان جایی است که فیلمساز به دام افتاده و فرصت طلایی تبدیل شدن فیلم به یک اثر اجتماعی تأثیرگذار و به‌یادماندنی به کلی از دست می‌رود.

همچنان که می‌دانیم، بلاگرها افرادی هستند که در بستر شبکه‌های اجتماعی اقدام به فعالیت تجاری می‌کنند و در زمینه‌های مختلفی تجربه کسب کرده و آن را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. گفته می‌شود درآمد برخی بلاگرها خیلی بالا است و بلاگرهای معروف ایرانی هم در این حوزه کم نیستند.

انواع مختلفی از بلاگرها مثل فشن بلاگر، آرت بلاگر و... در شبکه‌های اجتماعی، به‌خصوص اینستاگرام فعالیت می‌کنند. بلاگر شدن در ظاهر بسیار راحت است، اما در عمل به هیچ وجه این‌گونه نیست. یک بلاگر موفق باید بتواند با ترفندهای مختلف و با استفاده از مهارتی که با تلاش و زحمت به دست آورده، مخاطب را به خود جذب کرده و پیام، کالا یا مهارتی را به او معرفی نماید.

اگر فیلم را دیده باشید، حتماً با نگارنده هم‌عقیده‌اید که تا حدود یک‌سوم ابتدایی فیلم، همه چیز در جای خود قرار گرفته؛ از ریتم و ضرب‌آهنگ گرفته تا نماها، کات‌ها و دیالوگ‌های رد و بدل شده میان شخصیت‌ها. داستان به‌موقع به اصل ماجرا می‌رسد، شخصیت‌ها معرفی شده و کشمکش اولیه شکل می‌گیرد. در این بخش، فیلم واجد همان کیفیتی است که از یک اثر اجتماعی موفق و سرگرم‌کننده انتظار داریم؛ قصه‌ای جذاب که تماشاگر را مشتاقانه به دنبال خود می‌کشد.

ولی در دوسوم دیگر، روایت فیلم به گونه‌ای است که به مرور گسسته شده و رفته‌رفته اغراق در رفتار و گفتار بازیگران جای تحلیل عمیق و چندوجهی را می‌گیرد. ضمن آنکه در این بخش، شخصیت‌پردازی صبا و رامین به‌شدت ضعف داشته و رابطه‌ی شخصیت محوری داستان (عباس) با دیگر شخصیت‌ها به‌طور مناسب توسعه نمی‌یابد. ولی پرداختن به موضوع نقش و تأثیرات فضای مجازی بر زندگی مردم در یک دهه‌ی اخیر، همچنان موضوع مهم و قابل بحثی است، ضمن آنکه بازی طبیعی نوید پورفرج تا حدی کمبودهای ساختاری فیلمنامه را می‌پوشاند.

فیلم از نظر موضوع و اجرا ویژگی‌های مثبت زیادی دارد، ولی پایان‌بندی عجولانه و تضادهای درونی کاراکترها، تمام زحمات بازیگران و تیم سازنده را هدر می‌دهد. این اثر نشان داد که برخورداری یک فیلمساز از سوژه‌ای بکر، عوامل توانمند و حضور بازیگران چهره و نوآور در فیلم کافی نیست و برای موفقیت در سینمای اجتماعی، تحلیل چندوجهی و شخصیت‌محور یکی از مهم‌ترین ضرورت‌هاست.

به قول قدیمی‌ها، صفاری در این اثر فقط فوت کوزه‌گری را کم داشته که امیدواریم در کارهای بعدی به این مسئله مهم برای درآوردن کار توجه بیشتری داشته باشد.

داستان

یلدا، شب بلند امید و روشنایی

پدرام نقوی

شب یلدا، بلندترین شب سال است؛ شبی که تاریکی تا مرز خستگی پیش می‌رود و درست همان‌جا، وعده‌ی تولد دوباره‌ی نور داده می‌شود. یلدا فقط یک شب سرد زمستانی نیست، روایت صبر است؛ روایت ایستادن در دل تاریکی با این ایمان آرام که فردا، روشن‌تر از امروز خواهد بود.

در این شب، خانه‌ها شکل دیگری می‌گیرند. فرش‌ها گرم‌تر به نظر می‌رسند، دیوارها صمیمی‌تر نفس می‌کشند و صدای خنده‌ها با صدای ترک خوردن دانه‌های انار درهم می‌آمیزد. سفره‌ی یلدا فقط از هندوانه و انار و آجیل پر نشده؛ پر است از خاطره، از انتظار، از دست‌هایی که کنار هم دراز می‌شوند تا سهمی از شادی ببرند.

در این شب، خانه‌ها بوی قصه می‌گیرند. بزرگ‌ترها از خاطره‌ها می‌گویند، کوچکترها گوش می‌دهند و زمان، برای چند ساعت، مهربان‌تر قدم برمی‌دارد.

قصه‌هایی که مثل نخ نامرئی، نسل‌ها را به هم گره می‌زند. قصه‌ی زمستان‌های قدیم، شب‌های بی‌برق، دورهمی‌های ساده اما پررنگ. فال حافظ که گرفته می‌شود، سکوت کوتاهی همه‌جا را می‌گیرد؛ بعد صدای شعر، مثل چراغ کوچکی در دل شب روشن می‌شود و هرکس معنای خودش را از آن بیرون می‌کشد.

یلدا یعنی مکث. یعنی برای چند ساعت، دویدن‌های روزمره را کنار بگذاریم و فقط «باشیم». کنار خانواده، کنار دوست‌ها، کنار آدم‌هایی که حضورشان، حتی بی‌حرف، دل را آرام می‌کند. این شب به ما یاد می‌دهد که گرما همیشه از آتش نمی‌آید؛ گاهی یک نگاه، یک لبخند، یا یک خاطره‌ی مشترک، از هر بخاری‌ای گرم‌تر است.

و وقتی یلدا تمام می‌شود، چیزی بیشتر از یک شب پشت سر گذاشته‌ایم. انگار با هم از یک تاریکی عبور کرده‌ایم و حالا آماده‌ایم تا روزهای بلندتر را باور کنیم. یلدا یادمان می‌آورد که هیچ شبی، هرچقدر هم طولانی، ماندگار نیست و نور همیشه راهش را پیدا می‌کند.

شب یلدا، شب قد کشیدنِ تاریکی تا آخرین نفس است؛ شبی که بعدش نور آرام‌آرام برمی‌گردد و روزها نفس تازه می‌کنند. یلدا فقط یک تاریخ روی تقویم نیست، یک قرار قدیمی است میان آدم‌ها، انارها، هندوانه‌ها و خنده‌هایی که دور سفره می‌نشینند و دل‌ها را گرم می‌کنند.

یلدا یعنی با هم بودن، حتی اگر ساده و بی‌تکلف. یعنی کنار هم نشستن و باور داشتن اینکه بعد از طولانی‌ترین شب، روشنایی حتماً می‌آید.

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

خلاصه آگهی عرضه عمومی

نوبت اول

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، سهام و بنگاه متعلق به دولت به شرح جداول زیر را عرضه و واگذار نماید. ضمناً نسخ تکمیلی این آگهی، در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی: www.ipo.ir (قسمت آگهی‌های عرضه) در دسترس می‌باشد.

نام شرکت	روش عرضه	سهام قابل عرضه بلوکی		ارزش پایه کل(ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله			تاریخ عرضه
		تعداد سهام	درصد کل		درصد حصه نقدی	تعداد اقساط	فاصله اقساط (ماه)	
آلومینای ایران	بورس	۱،۰۵۹،۸۷۷،۵۸۸	۵۳	۲۱۸,۲۷۱,۱۹۰,۴۷۲,۷۲۰	۱۵	۱۰	۶	مطابق اعلام بورس

واگذاری سهام شرکت فوق الذکر با رعایت «دستورالعمل اجرایی روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاریها» صورت خواهد گرفت.

نام دارایی	روش عرضه	نشانی	مساحت(متر مربع)		ارزش پایه کل (ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله			تاریخ برگزاری مزایده
			عرصه	اعیان		درصد حصه نقدی	تعداد اقساط	فاصله اقساط(ماه)	
جایگاه سوخت قصر شیرین	مزایده	استان کرمانشاه - شهرستان قصرشیرین- بلوار راه کربلا	۱۱۴۱/۵۸	۳۰۷/۱۲	۴۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰	۶	۶	۱۴۰۴/۱۰/۲۰

شناسه ۲۰۷۵۶۹۳ م -الف ۳۵۱۹